

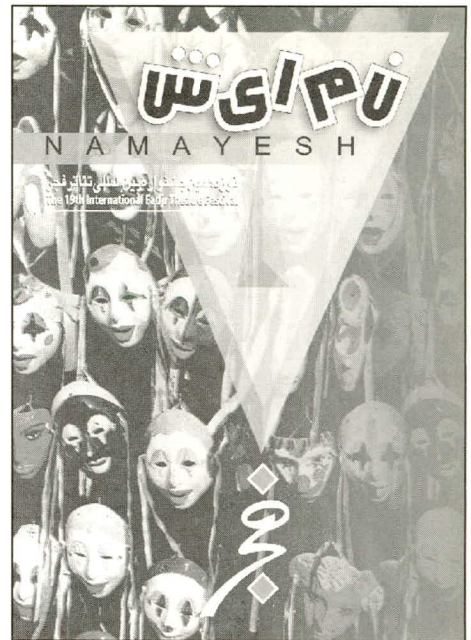
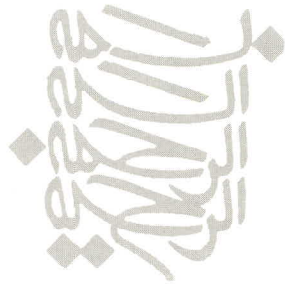
# نام ای ش

N A M A Y E S H

نوزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر  
The 19th International Fadjr Theatre Festival

10





## نمایش

NAMAYESH

### ویژه نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

۲ تا ۱۴ بهمن ماه ۱۳۷۹

◀ سردبیر	: لاله تقیان
◀ طراح و مدیر فنی	: انوشیروان میرزائی کوچکسرائی
◀ مترجمین	: اختر اعتمادی - آوا سرجویی
◀ عکاس	: فقتانه دادخواه
◀ کامپیوترگرافیک	: کیانوش رضائی
◀ حروف نگار	: فرزانه سرمدی
◀ صفحه بندی کامپیوتری	: پرویز میرزا حسینی
◀ لیتوگرافی رنگی	: جهاد دانشگاهی (واحد هنر)
◀ چاپ جلد	: چاپ نخستین
◀ چاپ متن	: انتشارات نمایش
◀ همکاران	: جواد تولمی - محمد علی میرزایی - علیرضا لطفعلی - هانی کیوان ثانی شراره محمدخباز - فریما روحی نژاد - ناهید کشاورز - افشین منقولی فرهاد سرافراز - مریم محمدی - مهرانه آتشی

مقالات منتشره الزاماً نظرات مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست. نقل مطالب و عکس‌ها با ذکر مأخذ آزاد است. **نمایش** در چاپ و ویرایش مقالات و مطالب واداره مختار است. مقالات رسیده به هیچ وجه مسترد نخواهد شد.

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان استادشهریار (ارفع)، تالار وحدت، کدپستی ۱۱۳۳۴، انتشارات نمایش  
تلفن: ۰۲۱-۶۷۰۵۱۰۱ و ۰۲۱-۸۸۶۱۰۶۷، پست تصویری: ۶۷۰۴۸۵، پست الکترونیک: dac@neda.net  
آدرس سایت اینترنت: http://www.irannamayesh.com

انتشارات نمایش

Dramatic Arts Center  
مرکز هنرهای نمایشی

THE 19<sup>th</sup> INTERNATIONAL EADIR THEATRE FESTIVAL  
TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB 2001  
جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر  
تهران - ۲ تا ۱۴ بهمن ۱۳۷۹

## ◀ تئاتر و توسعه فرهنگ

توسعه فرهنگ از برنامه‌های بسیار مهم در تمام کشورهای پیشرفته و یا در حال پیشرفت است و در سال‌های اخیر این مسأله مورد توجه بسیار کشورهای جهان سوم نیز بوده است.

چنانکه می‌دانیم برای توسعه فرهنگ، فعالیت‌های فرهنگی گوناگون مورد توجه است و این گستردگی امکان‌پذیر نیست مگر در تمام سطح کشور و به مقیاس خواست و توان و امکانات هر منطقه. یعنی هر منطقه نیاز به برنامه‌ریزی خاص دارد که هماهنگ با نیازهای آن منطقه باشد. ما در اینجا از میان تمام فعالیت‌های فرهنگی به تئاتر که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آنهاست توجه می‌کنیم زیرا تئاتر هنری است جامع و در برگیرنده هنرهای گوناگون (ادبیات، بازیگری، نقاشی، موسیقی و غیره...) که مجموعه آنها یک "نمایش" می‌شود. تئاتر، هنری زنده است و با مخاطبش رودررو می‌شود و بدون آنکه از ورای کاغذ و رنگ یا صفحه تلویزیون و پرده سینما پیامی را به مخاطب برساند، مستقیماً با تماشاگر روبرو می‌شود و به همین جهت تأثیرگذاریش پیش از دیگر هنرهاست. از سوی دیگر می‌دانیم که تئاتر به دلیل ویژگی‌هایش مثل امکان بداهه‌سازی، یا اجرا در هر مکان و زمان این گنجایش را در خود دارد که به تمام نقاط برود و مردم را به خود جلب کند. بنابراین تئاتر می‌تواند یکی از عناصر و عوامل توسعه فرهنگ در تمام نقاط کشور باشد. اما گزینش نوع نمایش، چگونگی به کارگیری آن در هر نقطه متفاوت خواهد بود و اینجاست که نیاز به پژوهش و تحقیق است تا به خوبی دریافت که هر نقطه از کشور پذیرای چه نوع نمایشی است؟ نمایش باید در سطح شهرها و روستاها توسعه یابد. ما می‌دانیم که در کشورمان، به جز تهران، تقریباً تنها در مراکز استان فعالیت‌های نمایشی وجود دارد و تا کنون کوشش برای توسعه آن به دیگر شهرها و به ویژه به روستاها انجام نشده است. بنابراین توسعه تئاتر در سطح کشور می‌تواند عنوان یک برنامه تحقیقی وسیع باشد که شامل موارد زیر است:

برای این تحقیق نخست باید مناطق مختلف کشور را از نظر زبان، فرهنگ، اوضاع اقتصادی، اوضاع جغرافیایی، پیشینه تاریخی، آداب و رسوم و سنت‌های کهن، کاربردهای مذهب و شیوه زندگی مورد بررسی قرار داد تا بر اساس حال و هوا و نیاز و خواست مردم هر منطقه و امکانات بالقوه یا توانایی‌های ذهنی و فکری در این مناطق شیوه خاص نمایشی را برای آنها برگزید. دوم باید زمینه پژوهش را بسط دهیم و جزئیات را در مورد روستاها در یابیم. تا بر اساس این جزئیات برنامه مورد نظر را طرح کنیم. مثلاً "در روستائی آب مسئله اصلی است و در روستای دیگر هوا، و یا امثال آن... بعد از در دست داشتن چگونگی اوضاع اجتماعی هر نقطه باید دید که نمایش چگونه می‌تواند به آن منطقه راه یابد. آیا باید سنن بومی و محلی را به کار گرفت یا می‌تواند پافراتر گذاشت و از حیطه مسائل داخلی یک روستا پیشتر رفت و به تدریج از این طریق ارتباط درست میان مناطق مختلف ایجاد کرد.

### در این شماره می‌خوانیم

- |    |   |
|----|---|
| ۳  | تئاتر و توسعه فرهنگ                     |
| ۴  | اخبار جشنواره                           |
| ۵  | تئاتر و اندیشه معاصر                    |
| ۶  | کمدی شهرت، دفن مشهور                    |
| ۷  | درک رهگذران مفهوم واقعی تئاتر خیابانی   |
| ۸  | اپرای چینی سرشار از تغزل و حماسه        |
| ۹  | آنتیگونه، نفرین ادیب                    |
| ۱۰ | گزارش مصور                              |
| ۱۲ | هنرمند باید آمادگی ریسک کردن داشته باشد |
| ۱۴ | نظر تماشاگران                           |
| ۱۶ | بخش انگلیسی                             |
| ۱۸ | برنامه‌های امروز و فردا                 |

## اخبار جشنواره

وجود تالارهای نمایشی پایتخت و بویژه تالار وحدت، بسیاری از گروه‌های خارجی شرکت کنند در نوزدهمین جشنواره تئاتر را مبهوت کرد. حال این بواسطه جدی نگرفتن ایرانیان و یا تبلیغات مسموم علیه ایران است خدا عالم‌است. کارگردان گروه سوئسی جشنواره از جمله کارگردانی بود که می‌گفت در صورت اطلاع از امکانات موجود در ایران ما بسیاری از وسایلمان را همراه نمی‌آوردیم. گروه چینی جشنواره نیز علیرغم وجود تالارهای باشکوه بسیار در چین به صرافت افتاد و از امکانات گسترده تالار وحدت دچار شگفتی شد. گروه مصر تنها گروهی بود که قابلیت‌های تالار وحدت را جدی نگرفته بود و فرم اجرایی نمایشمان را در تناقض با ظرفیت بالای تالار وحدت می‌آید که این نقیصه توسط کارکنان زحمتکش پشت صحنه تالار وحدت رفع شد و تماشاگر و بازیگر هر دو در روی صحنه تالار وحدت جای گرفتند.

## شروع سانس دوم نمایش این قصه را ایرانیان...

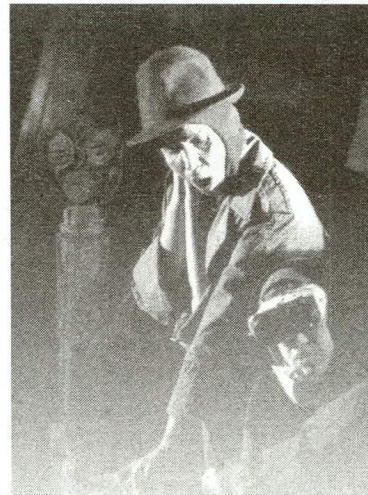
اجرای سانس دوم نمایش "این قصه را ایرانیان نبشته‌اند" در روز پنجشنبه ۷۹/۱۱/۱۳ با نیم ساعت تأخیر در ساعت ۱۸/۳۰ انجام خواهد شد.

لازم به ذکر است که به جای خانم سپیده رفیعی‌پور در نمایش فوق خانم فرشته سررندی ایفای نقش خواهد کرد و طراحی گریم این نمایش را آقای نوید فرحمرزی و طراحی لباس را آقای علی یازرلو بر عهده دارند.

## کتابنامه جشنواره

از جمله انتشارات نوزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر انتشار کتابنامه (کاتالوگ) تشکیل و مفصلی است که در سالن‌های جشنواره به عموم عرضه می‌شود. این کتابنامه حاوی مرور هجده جشنواره جشنواره پیشین، اطلاعات کامل از نوزدهمین جشنواره، معرفی تالارها و مرکز هنرهای نمایشی به دو زبان فارسی و انگلیسی است که صفحات آن به تصاویری از نمایش‌ها و هنرمندان تئاتر تزئین شده است. این کتابنامه در اندازه وزیری بزرگ، در ۲۰۷ صفحه و با قیمت ۲۰۰۰۰ ریال در دسترس همگان است.

## گزارش جلسه نقد و بررسی "گنگ خوابیده" نوشته و کار آتیلا پسیانی



تالار سایه ساعت ۹:۳۰ دوشنبه شب میزبان جلسه نقد و بررسی نمایش گنگ خوابیده نوشته و کار آتیلا پسیانی بود. در این جلسه آنچه بیش از هر چیز نمود داشت تعداد حاضرین بود که تمام صندلی‌های سالن سایه و حتی بخش‌هایی از راهروی میانی را پر کرده بودند. در آنسو نیز مهرداد رایانی مخصوص، مصطفی محمودی و کتابیون حسین‌زاده از طرف کانون منتقدین و آتیلا پسیانی، محمد چرمشیر (دراماتورژ گروه) و ستاره پسیانی (بازیگر) از گروه حضور پیدا کردند.

در ابتدا آتیلا پسیانی در جواب رایانی مخصوص درباره روند کارهای گروه تئاتر بازی به تحریبی بودن این گروه اشاره کرد و طی طریق را از مهمترین خواسته‌های گروه عنوان کرد و سپس در جواب مصطفی محمودی که به وسایل اضافه موجود در صحنه و تأثیر منفی آنها اشاره داشت گفت: «در طراحی از هر چیزی استفاده بصری می‌شود و این به معنای استفاده مستقیم بازیگر از هر وسیله نیست. زیاد هم به این تعریف که تفنگ روی دیوار باید شلیک کند معتقد نیستم. طراحی صحنه هر کار به خود کار بر می‌گردد.» محمد چرمشیر نیز در ادامه گفتگوها به این نکته اشاره کرد که در برخورد با یک پدیده نباید به دنبال هماهنگی کامل جزئیات آن با سلیقه و اندیشه خودمان باشیم.

در این جلسه نیز همچون تعدادی از دیگر جلسات، نحوه عملکرد کانون منتقدین و نوع برخوردشان با نمایش و همچنین تماشاگران

مورد انتقاد قرار گرفت که کتابیون حسین‌زاده در جواب اعلام کرد: «هیچ کس به زور نیامده و هر کس دوست ندارد می‌تواند برود.»

برخورد تماشاگران نیز نکات جالبی در خود داشت مثلاً یکی از تماشاگران پرسید: «آقای پسیانی شما برای خواص کار می‌کنید یا عوام؟» و پسیانی جواب داد: «اگر نخواهم ریاکاری کنم باید بگویم هر کس در درجه اول برای دل خودش کار می‌کند و اگر هنرمند خود به کارش ارضا شود و لذت ببرد می‌تواند در این لذت با دیگران شریک شود. در کل تماشاگر را نمی‌توان به دو قشر تقسیم کرد و هر کس با ذهنیت خود کار را می‌بیند. و در کار من تماشاگر از صحنه جدا نیست.»

از دیگر اتفاقات جالب این جلسه اعتراض یک نوجوان به سیاست‌های مرکز هنرهای نمایشی بود. او اعتراض داشت که چرا به او و همسن‌هایش اجازه و امکانات کار نمی‌دهند و فقط آقای پسیانی و امثال ایشان می‌توانند کار کنند و مگر تا کی قرار است پسیانی کار کند چون او هم روزی تمام می‌شود! این تماشاگر علاقه‌مند، لحظاتی پس از سخنانش جلسه را (به نشانه اعتراض!) ترک کرد که با لبخند مهربان رایانی روبرو شد و پسیانی نیز هنگام خروج، به احترامش از جا برخاست.

## تغییرات در برنامه نمایش

تغییر در برنامه‌های اجرای نمایش‌های خیابانی در محل‌های پارک دانشجوزلع شمالی و جنوبی:

در روز چهارشنبه:

ضلع شمالی پارک دانشجو:

هفت خوان - مشهد

اوات بمونی - میناب

ضلع جنوبی پارک دانشجو:

میهمانی سپاسگزاری - تهران

تکم خوانی - زنجان

در روز پنجشنبه:

پارک دانشجو ضلع شمالی:

شانس - تهران

نقل سیاوش - دماوند

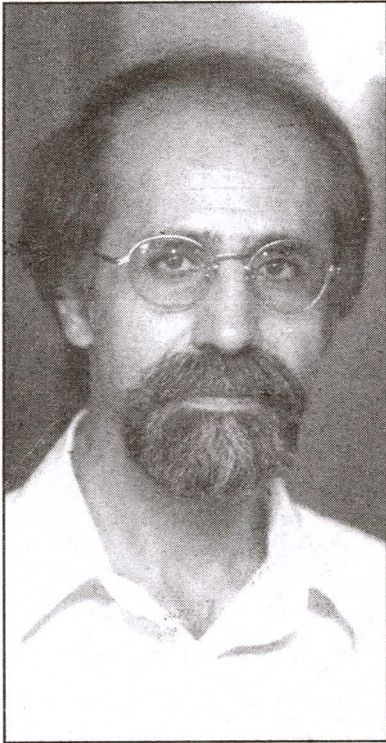
پارک دانشجو ضلع جنوبی:

بدنبال جشنواره - قوچان

فیلم - تهران

گزارشی از سومین روز همایش

## تئاتر و اندیشه معاصر



مهارت یک منتقد این است که چندین شب تئاترهای مختلف را پشت سر هم ببیند و هنوز قدرت این را داشته باشد که از آنها لذت ببرد و مهمتر از آن بتواند این لذت را از طریق نقد خود به مخاطب انتقال دهد.

یان هربرت همچنین در پایان مطالب خود افزود: «تعریف من از روح انسانیت مشترک ماست، پس ما هر چقدر بتوانیم این توجه خود را در خدمت نمایش قرار دهیم و فکر به ما منتقل شود که نمایش خوبی بوده است و این یک درس بسیار ساده در مورد نقد تئاتر است.» همچنین فرشید ابراهیمیان در ادامه با استناد به سخنان یان هربرت گفت: «آقای هربرت به چیزی اشاره کردند که ما هرگز آن را تجربه نکرده‌ایم و آن مسئله درگیر بوده و مسائلی که اندیشه انسان را تشکیل می‌دهند است ما هرگز ارتباطی را که ایشان از آن نام بردند را نداشتیم. به نظر من نقد یعنی تفکر و عدم وجود تفکر در جامعه‌ای موجب عدم پیدایش تئاتر است شما هیچ سبکی را نمی‌یابید که در آن نوع نگاه متفاوت فیلسوف به جهان سبک‌ها را به وجود آورده و وقتی ما فاقد چنین چیزی باشیم در واقع فاقد نقد بوده‌ایم. ما در زمینه نقد تئاتر هیچ سابقه‌ای نداشتیم و نقد در جامعه ما یک پدیده کاملاً وارداتی است.»

هنری خورده است، مثلاً ما نمی‌توانیم از داستان مدرن توقع نزدیک شدن به زبان روزمره را داشته باشیم.»

در ادامه این نشست «یان هربرت» به ایراد سخنرانی پرداخت. وی در مورد چگونگی گرایش خود به نقد تئاتر گفت: «سی سال پیش من ناشر کتاب‌های تئاتر بودم و کتابی را در مورد بیوگرافی اشخاص مشهور تئاتر چاپ می‌کردیم که این کتاب علاوه بر بیوگرافی تاریخچه کلی تئاتر و فهرستی از تمام بازیگران داشت و من این فرصت را داشتم که هر هفته دو یا سه بار نمایشنامه‌های مختلف را ببینم. بیست سال پیش تصمیم گرفتم این کار را کنار بگذارم چون حقوقم را قطع کردند سعی کردم کاری را که تا به آن روز انجام می‌دادم از طریق یک نشریه ادامه بدهم و تمام نمایش‌ها و نقدهای آنها را داشته باشم. بعد از سه سال که فرصت کردم چهار یا پنج نمایش را در هفته ببینم با خود گفتم که می‌توانم کاری انجام دهم و آنچه که باعث می‌شود من امروز خودم را منتقد تئاتر بدانم به خاطر هزاران تئاتری است که تا کنون دیده‌ام و تعریفی که من از منتقد دارم همین است، منتقد تماشاگری است که اطلاع وسیعی در مورد آنچه که می‌بیند دارد.»

وی در ادامه در مورد ویژگی‌های یک منتقد تئاتر گفت: «به نظر من مهمترین توان و

در سومین روز از همایش و میزگردهای تخصصی منصور براهیمی، فرشید ابراهیمیان و همچنین یان هربرت به ایراد سخنرانی پرداختند.

در ابتدا منصور براهیمی در مورد نقد تئاتر گفت: «مسئله نقد یکی از مسائل دامنگیر و گسترده در ایران است و نقد نمی‌تواند خودش را از مقوله تفسیر جدا کند، هنرها نمایشی حتی در حوزه خلاقیت هم نقد دارند و در تئاتر کارگردان بازیگر و... نیز با موضع تفسیری در رابطه با کارشان سر و کار دارند. در این زمینه آموزش بر اصول نظری استوار است و خیلی به ندرت جدی گرفته می‌شود. خیلی از مکاتب نقد عنوان دانشگاهی به خود گرفته است یعنی آنقدر در یک دانشگاه در آن مقوله و آن نظریه پافشاری کرده است که به نامش ثبت شده است.»

وی همچنین در ادامه افزود: «حوزه رئالیستی به ارسطو پیوند می‌خورد و خیلی با تئاتر ارتباط دارد و در تئاتر عناصر بازنمایی وجود دارد که در تئاتر شرق و قراردادهایش نیز این بازنمایی‌ها وجود دارد. فهم عمیق‌تر ما از ارسطو فهم عمیق‌تر از هنر دراماتیک است و شکل افراطی نظریه رئالیستی همان ناتورالیستی است و هنوز بازیگر ما توقع دارد جزئیات رئالیستی شخصیت را بداند. این توقع که اثر هنری باید به زبان روزمره برسد به عنوان یک ارزش به سر اثر



محدود و ملموس موفق می‌شود از وابستگی مخاطب به دیالوگ کاسته و زمینه و بستری مناسب برای کارگردان و بازیگران فراهم کند تا آنها در آن بستر ارتباط لذتبخشی را با مخاطب برقرار کنند. کارگردانی و بازیگری این نمایش که سهمی بالاتر از متن را به دوش دارد، تشکیل شده از مجموعه لحظات ناب و دراماتیک. لحظاتی گویا و کمدی مصور، بازیگرانی که خلاقانه با توانایی بالایی کمدی خود در صحنه حضور پیدا می‌کنند و در اغراق لحظات و در خدمت هدایت کارگردان قرار گرفتن نهایت تلاش خود را می‌کنند و لحظاتی کمدی را با غلو خصائل بشری در صحنه می‌سازند. اما آنچه باقی می‌ماند نگاه و هدف و انگیزه گروه اجرایی از این همه اغراق و دردسر و موفقیت است. لحظاتی مخاطب گمان می‌کند این نمایش سعی دارد تا به نوعی مجموعه زندگی و

شهرت لئوناردو را به زیر سؤال ببرد و از او یک انسان ناتوانی بسازد که در زمان پایانی عمرش تنها با تکیه به شهرت قبلی خود، هر عمل هر چند مضحک و غیر خلاقانه و دور از نابتگی‌اش دیگران را مجبور به تحسین و ستایش می‌کند. «لئوناردو داوینچی» تنها بهانه‌ای برای اثبات مدفون شدن فرد مشهور در زیر ابزار و زیاده‌های شهرت‌ساز (روزنامه‌ها) است. نویسنده لئوناردو را زیر سؤال نمی‌برد، بلکه مسیر زندگی خیلی از نوابغ دنیا را به کمدی می‌کشانند و از این زبان شاید بتوان به واقعیت زندگی خیلی‌ها شک کرد، این شک حتی اگر شکی گروتسکی باشد و تصورش هم خنده آفرین به هر حال شک است. این نمایش لئوناردو را انتخاب می‌کند، هنرمند و نابغه شناخته شده‌ای که بررسی اینگونه، و جدال او با زندگی و حفظ شهرت یا شهرت ناخواسته و خواسته جذابیت اثر را بیش و بیشتر می‌کند. علی اکبردستی



## کمدی شهرت، دفن مشهور

مشخص قراردادن این داستانها نمی‌کند و این در ارائه مفهوم کلی اثر مخاطب را کمی با مشکل روبرو می‌کند. نویسنده در قدرت برقراری ارتباط سهم بسزایی دارد، چرا که با استفاده از دایره واژگان

نمایش «لئوناردو» از کشور پرتغال با بررسی زندگی هنرمند بزرگ دنیا «لئوناردو داوینچی» مفاهیم مهم و انسانی را در قالبی ظنر بیان می‌کند. این کمدی زیبا در معنای کلی و وسیع‌تر به بررسی زندگی سراسر شهرت یک نابغه و شکل به‌شهرت رسیدن او، برخورد اطرافیان با این شهرت و سهم نزدیکان در نمایان شدن این شهرت می‌پردازد. انسانی که باطی مسیر پر پیچ و خم مشهوریتی کسب می‌کند و عاقبت هم در شهرتش دفن می‌شود. این کمدی شهرت را اگر که مخاطب حتی با شخصیت لئوناردو آشنا نباشد و تنها او در تفسیر کلی یک نابغه بپذیرد قابل برقراری ارتباط است. نویسنده چندین داستان از تولد تا مرگ لئوناردو را در کنار هم می‌چیند. این داستانها دارای ظرفیت دراماتیک بالایی هستند و در جزئیات قابل لمس و قابل درک، ولی نویسنده تلاش مناسبی در جهت ربط دادن و در مسیر

## ◁ درک رهگذران مفهوم واقعی تئاتر خیابانی

گفتگو با عباس کاظمیان کارگردان نمایش بدنبال جشنواره

کنند و این مقوله فقط در خراسان بود ولی باز هم فیلم کار را برای فجر ارسال کردیم که خوشبختانه پذیرفته شد.

فکر می‌کنید چگونه بتوان بحث تئاتر را در بین مردم گسترش داد و فاصله این غربت بین مردم و هنر تئاتر را کمتر کرد؟

متأسفانه بچه‌های تئاتر هنوز نتوانسته‌اند خانواده خودشان را بسازند هنوز ما خیلی کم خانواده‌های تئاتری داریم، اگر ما توانستیم خانواده‌های خودمان را تئاتری کنیم می‌توانیم بقیه مردم را نیز جذب تئاتر کنیم.

تئاتر خیابانی چه معنا و مفهومی در آئین‌های سنتی پیدا می‌کند و جایگاه آن در بین بقیه هنرهای نمایشی چگونه است؟!

هنوز مشکل ما این است که بیشتر نمایشهایی که اجرا می‌شود خیابانی نیستند نمایش خیابانی نمایشی نیست که فقط در خیابان اجرا شود بلکه باید به شکلی باشد که برای مردم باشد و بتواند به درک و نگهداری رهگذران تا انتهای نمایش کمک کند. در واقع با مردم نفس بکشد و ارتباط برقرار کند و معنای تئاتر خیابانی خیلی گسترده‌تر از این است که در یک یا دو جمله بتوان مفهوم آنرا بیان کرد.

در پایان نیز من از مسئولین کارخانه دوچرخه‌سازی آساک که ما را یاری نمودند تشکر و قدردانی می‌کنم.

در میان کارهای خیابانی فکر می‌کنید چه ویژگی و یا تفاوتی باعث گیرایی کار شما در بخش خیابانی می‌باشد؟!

با توجه به اینکه در جشنواره‌های فجر (خیابانی) سالهای قبل نیز شرکت داشته‌ام امسال تصمیم گرفتم روی کاری که واقعاً خیابانی باشد دست بگذارم اینکه واقعاً بخواهیم نمایش خیابانی را به مردم القاء کنیم نیست ما آمدیم تا گوشه‌هایی از سنت‌هایمان را برای جشنواره آماده کرده‌ایم.

در شهرستان یا مقوله تئاتر خیابانی تا چه اندازه آشنایی دارند آیا اینگونه نمایشها را مردم می‌پذیرند یا خیر؟!

متأسفانه تئاتر خیابانی در شهرستانها جا نیفتاده است و امیدوارم که روزی شاهد باشیم که تئاتر و شهرستانها جایفتند. البته امسال کار ما از طریق بخش استانی که در شهر تا شهر بود به جشنواره راه یافت.

این مقوله تنها در شهرستان شما بود یا در دیگر شهرها نیز به اجرا درآمد؟!

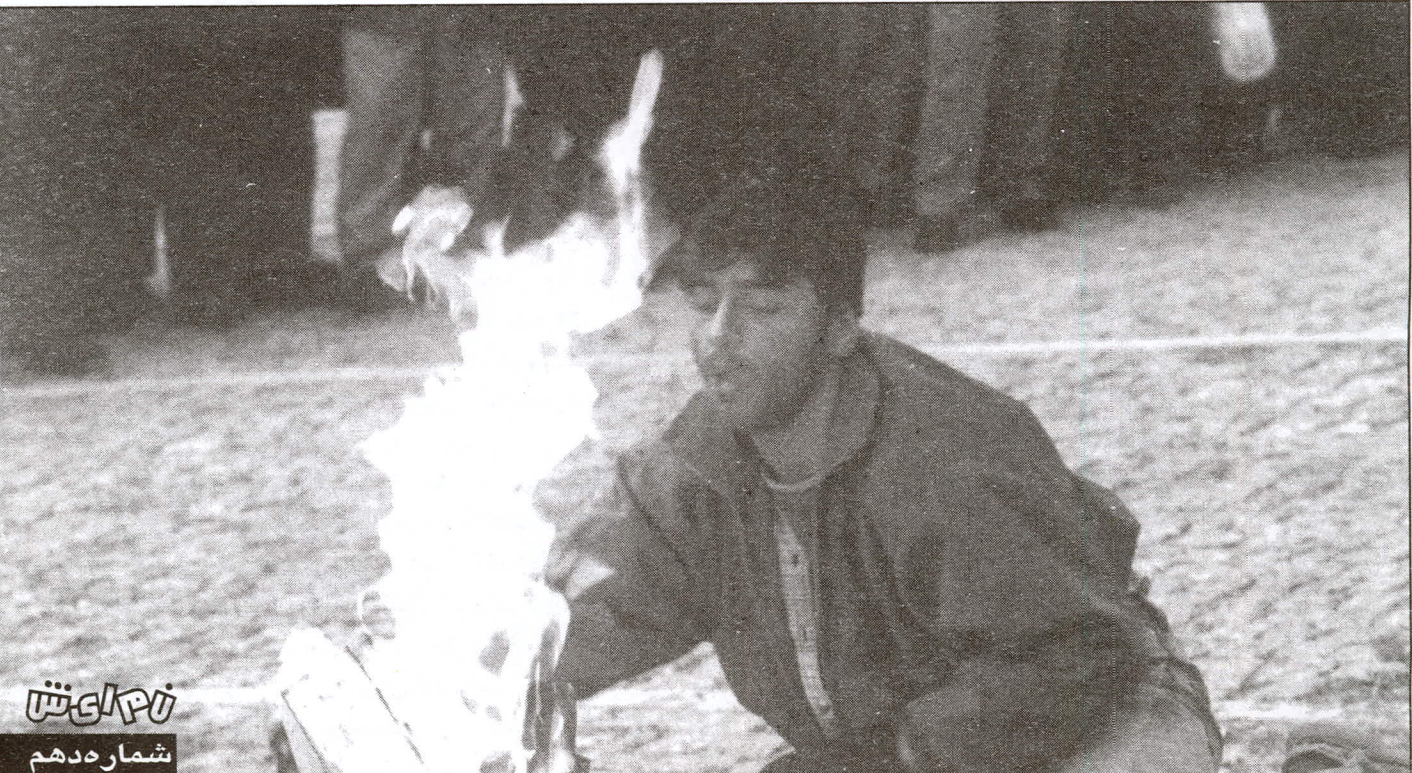
امسال قرار بود که کلاً استانهای کشور به شکل استانی بعد منطقه‌ای و بعد فجر راه پیدا

لطفاً کمی در مورد چگونگی شکل‌گیری نمایش توضیح دهید؟!

قصه این نمایش ماجرای ۲ نفر جوان محلی است که تصمیم دارند کاری خیابانی را برای جشنواره فجر آماده کنند درگیرودار این ماجرا با سؤال از چند رهگذر به موضوعاتی خاص بر می‌خورند که آنها تمام این قصه‌ها را تجربه می‌کنند و در پایان متوجه می‌شوند که چون خود محلی هستند و دارای آداب و رسوم خاص بایستی به سنت‌خودشان بپردازند و آنرا در معرض دید مردم قرار دهند.

بواقع نمایش شما برگرفته شده از آئینی نمایشی است که بنوعی رجعت به گذشته دارد. حال فکر می‌کنید این قبیل نمایشها چگونه می‌تواند در باروری و رشد هنر تئاتر در جمع مردم و ارتقاء بر سطح کیفی آن مؤثر باشد؟!

به نظر من جشنواره فجر بخش خیابانی به نوعی برای ما بچه‌های شهرستانی که دارای آداب و رسوم سنتی هستند جایی است که می‌تواند به ما اجازه دهد تا ما آئینها و سنتهای خودمان را به دیگر مردم ارائه دهیم.



موقعیتا situation و وضعیت‌های دراماتیک با شدت و تنش tension و کشش قوی؛ وهم illusion، تعلیق suspens انتظار و...

از نظرهای دیگر، اپرای چینی، ترکیبی درخشان از جنبه‌هایی چون صحنه‌آرایی، رقص، (که به نظر می‌رسد تعبیر عجیب "پرواز در صحنه" درباره حرکات بازیگران اپرای چینی، کاملاً" به جا و درست و دقیق است) موسیقی، نور و جنبه‌های دیگر نمایش است. همچون مثال، موسیقی همراه با نمایش، ترکیبی است موزون از موسیقی روایتی، موسیقی توصیفی و موسیقی افکتیو effective.

در واقع، موسیقی اپرای چینی، توأمان از تغزل و حماسه، سرشار است و شادی و اندوه را، به زیبایی و کمال شنیدنی می‌کند. اما طرفه اینجاست که این موسیقی، در عین حال، استقلال و هویت خویش را نیز از دست نمی‌دهد. نکته‌ای که در ایده توتال تئاتر total theater که چند دهه پیش صحنه‌های تئاتر اروپایی - امریکایی بود، به عنوان هدفی بزرگ و ایده‌آل تلقی می‌شد. اما، همچنان که "گریک بنتلی" اندیشه‌ور تئاتر امروز جهان، تصریح می‌کند، ایده توتال تئاتر، نه تنها به اهداف خود، به علت تناقض ذاتی، دست نمی‌یابد. بلکه ویژگی‌های بنیادین تئاتر را نیز مورد هجوم قرار می‌دهد. با این همه آنچه که در "توتال تئاتر" ترکیبی ناخواستی و مخرب، دست کم به رغم بنتلی، به نظر می‌رسد، در اپرای چینی (همچنان که در سبب‌خوانی) کاملاً" دست یافتنی و درخشان

چهار - در میان انتخاب‌های خوب بخش بین‌المللی نوزدهمین جشنواره تئاتر فجر، که فرصت‌های ممتنی برای تماشای صحنه‌هایی از تئاتر امروز چند کشور را فراهم آورده، امکان دیدار اپرای چینی، البته شرح و بیان بسیط‌تری را طلب می‌کند؛ اما همین جا باید از این حسن انتخاب تشکر و تقدیر کرد.

## ◁ اپرای چینی سرشار از تغزل و حماسه

یک - تالار وحدت. دهم بهمن ماه هزار و سیصد و هفتاد و نه ملاقاتی از پس هزار سال. از چین و ماچین در ذهن و بیان مولانا، تا امکان تماشای اپرای چینی "لیدی یانگ" بر صحنه تالار وحدت. از چین نقاشان نقش‌های هزار رنگ، از چین خردمندان و طیبیان اعجاز کار، از چین سرشار از افسانه‌های کهن و رمزآمیز و رازناک، تا امکان ملاقات با هنرمندان چین هنوز کم نیست آغاز هزاره سوم و میدان "یان-ان-من" و انقلاب فرهنگی و دالایی لاما.

این خود امکانی است شگفت‌انگیز، زیبا و هراسناک که توپر مخمل صندلی تالار وحدت نشسته باشی با هزار چشم مشتاق دیگر، همراه و هم نگاه، خیره بر صحنه‌ای که، اکنون، از پس هزار سال، هنر و خرد زن و مرد چینی را، با چشم جان نظاره کنی، هم از آن دست که هزار سال پیش زن و مردی چینی، یا مسافری از سوی دیگر جهان بر صندلی‌هایی از جنسی دیگر - از جنس زمان - به نظاره نشسته بودند.

و اکنون نمایش "لیدی یانگ"، سرشار از جلوه همه آن تماشاها، تالو چشم هزاران هزار تماشاگر قرون را باز می‌تاباند. و این چنین در زیبایی و شکوه بر صحنه جاری می‌شود و چنان چون آبشاری از رنگ و نور و نغمه و... چه تماشایی دارد این اپرای چینی، که پیش از این، از آن، بسیار گفته بودند، که شنیده و خوانده بودیم. مثلاً" شرح و وصف ستایش‌انگیز "نمایش در چین" بهرام بیضائی و بیان شیفته‌وار و عاشقانه لاله تقیان در مقاله سفرنامه "پرواز در صحنه" مجله نمایش.

و اکنون، در لحظه دیدار، امکان ادراک شیفتگی دیده‌وری همچون آنتون آر تو، در ستایش هنر شرق، اعجاب برتولت برشت، ژرف‌اندیشی پیتر بروک و یوزی گروتوفسکی و... فراهم می‌آید. زمان فشرده می‌شود، هزار سال در یک لحظه. تو امکان این را می‌یابی که نمایشی را تماشا کنی که در قراردادهای دیرینه‌اش زندگی

می‌کند و با نشانه‌های دیر سال‌اش، تداوم می‌یابد. پس، منطبق زمان خطی درهم می‌شکند و زمان دورانی رخ می‌نماید که برای ذهن و خرد زن و مرد شرقی، البته، از دیرباز آشناست و اکنون دیگر، برای اندیشمندان و فیلسوفان پسامدرنیست همچون میشل فوکو، مفهومی بنیادین است که می‌توان و باید بر آن درنگ و تأمل کرد.

دو - نمایش لیدی یانگ قصه و پیرنگی دارد از ترکیب تاریخ و افسانه. زنی "یگ کوتی یانگ" نام، که پیشینه تاریخی‌اش دارد، در دفاع از سرزمین و آئین ملک‌داری، در هنگامه نبردی خونین و سرنوشت‌ساز، با پسرش یگ دوئر رو در رو می‌شود. فرزندگی که به مدت دوازده سال از او دور مانده و اکنون، ناخواسته در جبهه مقابل مادر قرار می‌گیرد. باری، با روشن بینی لیدی یانگ (نیگ کوئینی یانگ) یگ دوئر جوان سرانجام با مادرش همراه می‌شود، اما در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز، مادر در می‌یابد که برای شکست دادن دشمن و نجات سرزمین ناچار است که فرزند خویش را نیز به کشتن دهد. فرزند، مادر را متقاعد می‌کند که او را در راه وطن بکشد. مادر، لیدی یانگ، به فائوسی که پسرش به آن آویزان است و برای شکست دشمن ناگزیر باید آن را نابود کرد، شلیک می‌کند.

سه - اپرای چینی، نمایش نشانه‌ها و نمادها است: سرچشمه، مصداق و منبعی پایان‌ناپذیر برای تئاتر دوران پسامدرنیسم. سرشار از جلوه‌های بصری و رنگین‌گمانی از رنگ و نور. مینیاتوری از نشانه‌ها و قراردادهای نمایشی. اما، اپرای چینی، نیروی اصلی و کاستی‌ناپذیرش را از ترکیب سحرانگیز جلوه‌ها، عوام‌مل و ویژگی‌های نمایشی می‌گیرد، که اشارهای فهرست‌وار به آن، خود، زمان و مجال فراخ‌تری را طلب می‌کند که لاجرم در حوصله این چند اشاره مختصر نمی‌گنجد. اما برای نمونه می‌توان به کنش همراه با شگفتی (نکته‌ای که ارسطو در بوطیقای خود بر آن تأکید می‌کنند)



## ◀ آنتیگونه، نفرین ادیب

## خلاصه نمایش

داستان آنتیگونه بخشی از داستان شهر تب است. لایوس وارث تاج و تخت پدرش لاوداکوس شد. طبق پیش‌بینی دلفی، ادیب، پسر لایوس و ژوکاست، پدرش را در بی‌خبری کشت و بامادرش ازدواج کرد که حاصل این ازدواج چهار فرزند به نام‌های اتئوکل، پولی‌نیس، آنتیگونه و ایسمنه بود. حقیقت که بر ادیب آشکار شد، خود را کور کرد و از تب بیرون رفت، ژوکاست نیز خود را به دار آویخت. اتئوکل و پولی‌نیس توافق کردند که هر کدام یک سال در میان حکومت کنند. اتئوکل این پیمان را زیر پا گذاشت و نفرین ادیب بر او کارگر شد. پولی‌نیس با آرگیوس متحد شد و شهر را محاصره کرد. جنگ تن به تن میان دو برادر به جنگ خاتمه داد، هر دو کشته شدند و کرئون عمویشان صاحب تاج و تخت شد. اما همچنان آرگیوس شهر را تهدید می‌کرد و تیرزیاس پیشگو به کرئون توصیه می‌کند تا پسر مگارئوس را قربانی کند تا شهر نجات یابد.

## داستان آنتیگونه

اتئوکل و پولی‌نیس، پسران ادیب همدیگر را می‌کشند و کرئون عمویشان صاحب تاج و تخت شهر بت می‌شود.

فرمان نخست کرئون: جسد پولی‌نیس را به خاک نسپارند تا سرمشق دیگران شود.

آنتیگونه، دختر ادیب و خواهر پلی‌نیس، از خواهرش ایسمنه می‌خواهد که با کمک یکدیگر جسد برادر را به خاک بسپارند، زیرا که بایستی به مردگان احترام گذاشت.

ایسمنه سر باز می‌زند و آنتیگونه، جسد پولی‌نیس را به خاک می‌سپارد و کرئون را به مبارزه می‌طلبد.

آنتیگونه را دستگیر می‌کنند و به حضور کرئون می‌برند. کرئون، خشمگین فرمان می‌دهد آنتیگونه را حبس کنند که به معنای مرگ تدریجی است.

هایمون پسر کرئون و نامزد آنتیگونه، تلاش می‌کند پدرش را از مجازات آنتیگونه منصرف کند. کرئون نمی‌پذیرد و همسران ترانه قدرت عشق را می‌خوانند.

تیرزیاس پیشگو می‌گوید که اگر جسد پولی‌نیس به خاک سپرده نشود و آنتیگونه آزاد نشود، درد و اندوه بر خانواده کرئون و شهر تب فرود خواهد آمد.

کرئون از مجازات پولی‌نیس منصرف می‌شود و دستور دفن او را می‌دهد: اما آنتیگونه خود را به دار آویخته است و هایمون شمشیر به دست در برابر جسم به دار آویخته‌ی آنتیگونه، وقتی نمی‌تواند پدرش را بکشد، شمشیر را در شکم خود فرو می‌کند.

پیام‌رسان پیام وحشت را به اوریدیس، همسر کرئون و مادر هایمون می‌رساند.

اوریدیس سرشار از اندوه، در میان کاخ خود را می‌کشد.

کرئون تنها عزاداری می‌کند و همسران تب صحنه را ترک می‌کنند.

سیروس و راجوریتیس متولد ابروس در شمال غربی یونان است. او حقوق، نمایش و سینما را رادر دانشگاه آتن خوانده است. و موفق به دریافت بورسیه نانسی (۱۹۶۶) از:

مرکز تحقیقات بین‌المللی هنرهای دراماتیک شد.

در زیر نظر و راهنمایی ژاک لانگ قرار گرفت. در ۱۹۶۸ برنده‌ی بورسیه دولت فرانسه برای تحصیلات در زمینه تئاتر و سینمای مستند زیر نظر جان روش (۶۹ - ۱۹۶۸) گشت. از ۱۹۷۷ اوریس «تئاتر یکی لسیجی» و کارگردان همه برنامه‌های آن بوده است. از ۱۹۸۲ او تئاتر سربازرماتیا در اطراف آتن شالاندی (فالیبا باستان، محل تولد اوریبید) را تأسیس و افتتاح نمود. در ۱۹۹۶ او کارگاهی را برای تئاتر باستان در شالاندی گشود در ۱۹۸۴ برای تلویزیون ملی یونان برنامه‌ای متشکل از هشت قسمت یکساعته درباره تاریخ زبان یونانی در طول قرون کارگردانی کرد.

در ۱۹۸۹ نماینده یونان در اولین اجلاس تئاتر کشورهای اروپایی در سنت ایتین فرانسه بود. در بین سال‌های ۹۴ - ۱۹۹۲ مشاور هنری رئیس رادیو - تلویزیون ملی یونان بود.



تجارب او از کارگاه برگزار شده در ترواندروم کراالا از سفر دوم او به هند در سال ۱۹۹۰ در مقاله‌ای که از وی در مجله شماره ۹۱ رفلکشن یونسکو درج شده است. این کارگاه موجب اتحاد اعضای تئاتر لسیجی و گروه تئاتر هندی به نام سپانام در تحقیق جامعی درباره داستان‌های حماسی کلاسیک ایلپاد و رامایانا گردید. که در نتیجه اجرای مشترکی از آن در دانشگاه پاندیون و مکارون موسیقی آن داشتند.

## کارگردان یونان

تهیه و کارگردانی نمایش آنتیگونه اثر سوفوکل در متن اصلی آن به زبان یونانی موفق به دریافت لوح افتخار به خاطر تلاش و کوشش بسیار در زمینه‌های نمایشی گشت.

در سال ۱۹۹۶ درامایی را درباره آهنگساز و رهبر ارکستر یونانی دیمتری میتروپولس آماده ساخت و نمایش ترازدی دوران بیزانس (مصائب مسیح) را برای نمایش در تسالونیک صحنه در *Thessalonici* پایتخت فرهنگی اروپا در سال ۹۷ را همزمان آماده می‌کرد.

کرئون: جورج اسفیریدز

آنتیگونه: مارتا پاپاتاناسیوس

اسمینه: کریستینا کاراماندیوس

تیرزیاس: جورج کافکاس

گراردیان: جورج دالالاکیس

هایمون: پانتالیس استاورنیوس، وانگلیس کریستو

اوریدیس: مارتا پاپاتا ناسیو

پیک ۱: پانتالیس استاورنیوس

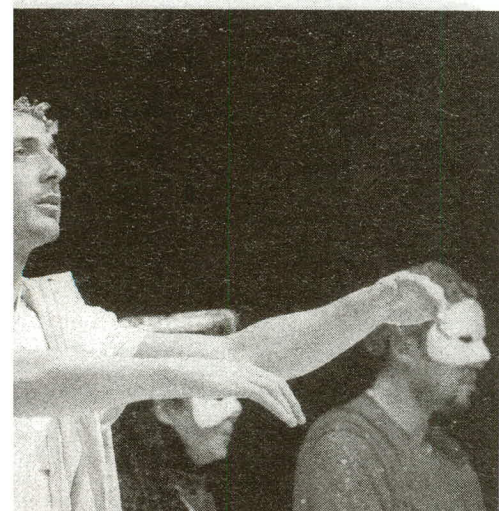
پیک ۲: وانگلیسیاناکوس، جورج دالالاکیس

سراهنک: جورج کومبویانیس

همسران: تمام افراد

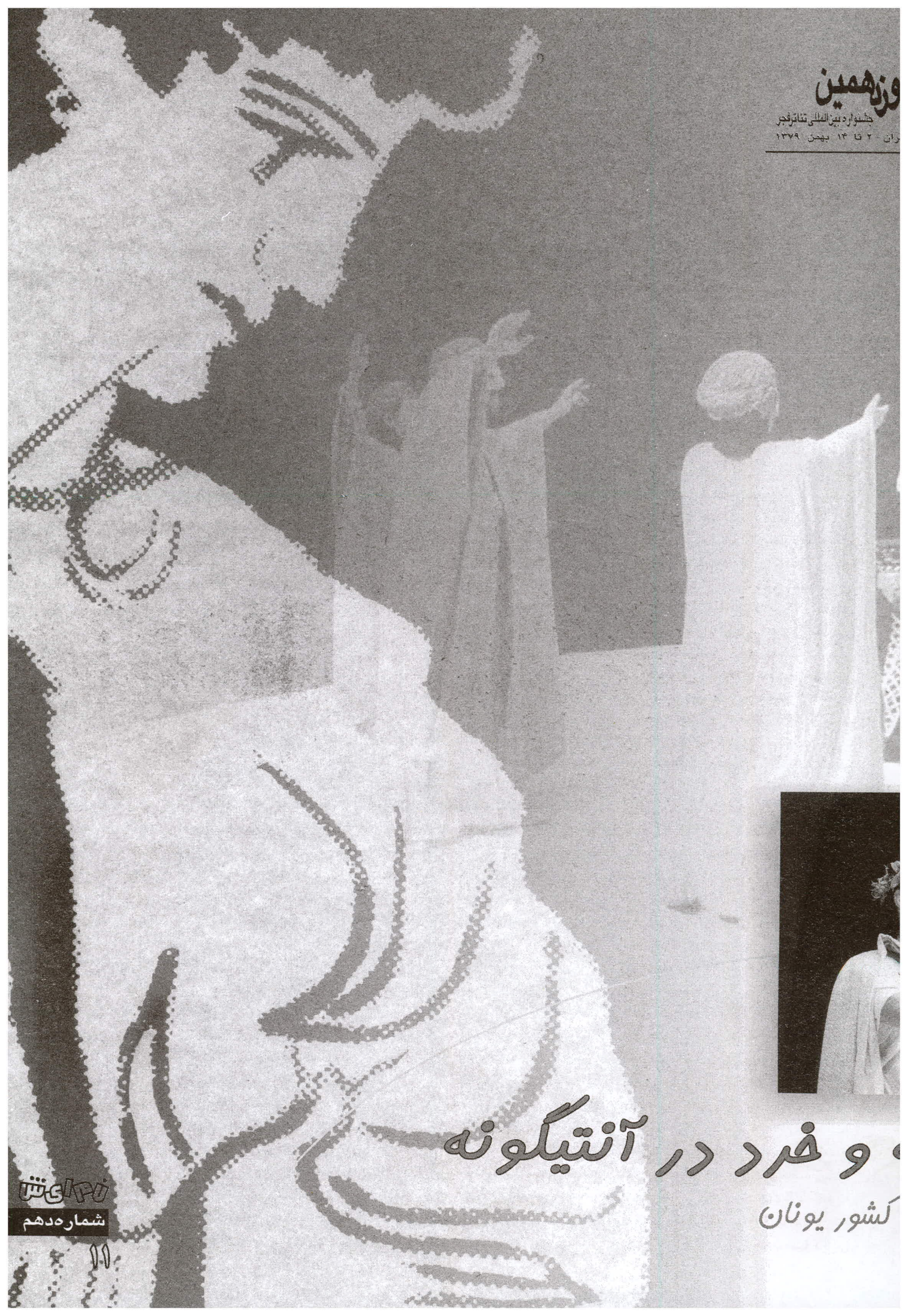


ΣΟΦΟΚΛΕΟΣ  
ΑΝΤΙΓΟΝΗ



تقابل عاطفه  
گروه تئاتر یکی لسیپی





# و فرد در آنتیگونه

کشور یونان

نکاوش

شماره دهم

۱۱

## هنرمند باید آمادگی ریسک کردن را داشته باشد

گفتگو با محسن حسینی «کارگردان نمایش مدها»

در حقیقت حالات سلوک این شخصیتهاست که برای من جذابیت داشت و اینرا سعی کردم در ضمن کارگردانی نشان دهم حال چه در کرئوگرافی (حرکت‌نگاری) و یا زبان و مونولوگ مدها در تصویر دوم.

البته با فرمهای مختلف زبانی کار کردم و خوب این برای بازیگرانم خصوصا نقش مدها کمی مشکل بود و همین که توانستند تحمل کنند و به ایده کارگردان اهمیت بدهند و نزدیک شوند به حالتی که از یکنواخت بودن درآیند. اهمیت زبانی برای من حساس بود و کاربرد زبان امروزه مانند کاربرد حرکت و چگونگی شکل‌گیری آن با روح زیبایی‌شناسی فلسفه امروزی صحنه که در اروپا و آمریکای شمالی خیلی اهمیت دارد اتفاق افتاده و به عنوان یک هنرمند باید از این اتفاقات آگاه بود و بهره گرفت تا بتوان کاری کرد که درباره فستیوالهای جهانی و تئاتر مدرن صحبت کنیم.

با توجه به اینکه متون کلاسیک یونان در نوع خود دارای قابلیت‌های اجرایی بسیاری است و شیوه‌های کلاسیک غالبا دارای چهارچوبی مشخص هستند احساس می‌کنید برخورد مدرن با اینگونه کارها چه اثری می‌تواند روی مخاطب داشته باشد و ساختار شکنی به چه شکل می‌تواند صورت پذیرد تا اثر تأثیر خود را بر مخاطب باقی گذارد؟

اشاره شد به ساختار شکنی اگر نوساختارگرایی مبحث امروز است که در بین مدرن‌های فرانسوی وجود دارد ما نمی‌توانیم بدون شناخت ساختارگرایی به نوساختارگرایی برسیم و یا اگر با ساختارگرایی کلنجار نرفته باشیم طبیعی است که دفعتا نمی‌توانیم ادعای نوساختارگرایی کنیم. یعنی اگر به کار توجه کنید می‌بینید در بعضی قسمتها وسواس داشته‌ام به اینکه به اورپیید نزدیک شوم چون وقتی متون کلاسیک را مطالعه می‌کردم دیدم اورپیید کسی است که برای اولین بار برخلاف سوفوکل و آشیل مبحث رقص‌نگاری و حرکت‌نگاری یا آکسیون را وارد تئاتر می‌کند و اینها مباحثی است که در تئاتر دهه ۸۰ - ۹۰ خیلی مؤثر بوده تا جائیکه بدون آن نمی‌توان کار کرد. البته نه به این عنوان که دیالوگ را فدای حرکت کنیم. در کار مدها بخش اول عذقیقه پرولوگ بود که گروه همسرایان می‌خوانند و حرکت دارند که با پرولوگ بعدی می‌شود ۱۱/۳۵ و با وسواسی که داشتیم ادای دین به اورپیید کردم. منتها کوالی



را در اینجا که روزهای رشد و شکوفایی خود را می‌گذارند انجام داده‌ام. حال باید دید که در دراز مدت و اجراهای عمومی به چه نحو تماشاگران با آن برخورد خواهند کرد.

در این تجربه شما از سه نوع ادبیات استفاده کرده‌اید که هر کدام دارای ساختاری خاص هستند با توجه به اینکه فرمودید بیشتر جنبه‌های بیان مورد توجه شما بوده شیوه برخورد با اینگونه نوشته‌ها که از صفحهٔ رمان به صحنهٔ تئاتر کشیده می‌شوند چگونه است و باید به چه بخشهایی از اثر بیشتر توجه داشت؟

ناگفته نماند که من رمان را برای صحنه آدابت نکردم، بلکه با بخشی از رمان و روح آن کار کردم و آن بخشی بود که از نگاه امروزی نویسنده به مدها بود، چیزی که مرا جذب کرد طیف‌روان‌پریشی داستان و تراژدی مدها بود چون زمانیکه کتاب را می‌خوانید خیلی فرق دارد. کرئون صحبت می‌کند، ژازون صحبت می‌کند و... که حالتی تک‌گویی دارد و در بعضی جاها و صحبت‌های مدها که دقیق می‌شوید حالتی روان‌پریش را مشاهده می‌کنید. نوعی دوگانگی و بعضا چندگانگی و شکافی که در شخصیت مدها است که اگر این فرد ژازون می‌شد چه اتفاقی می‌افتاد و آیا همین خیانت شکل می‌گرفت چون همانطور که می‌دانید این تراژدی یک زن است که به او خیانت می‌شود و نمی‌خواهد همسرش را بکشد بلکه می‌خواهد او را زجر کش کند. و همین برخورد را با کاراکتر ژازون داشتیم که در رمان نیز به آن اشاره شده.

لطفا کمی در مورد چگونگی نوشته شدن متنی که برای اجرا انتخاب کردید توضیح دهید؟

نمایش مدها در واقع برداشتی است از ۳ متن «تراژدی اورپیید، مدها اثر ژان آنوی و رمانی بنام نوجوهای مدها نوشته خانم کریستیا ولف» که خودم برای صحنه تنظیم کردم. در نوع و شیوه اجرا نیز از فرمی که از آن با نام پرفورمنس نام می‌برند و در نوع بازیگری از بجهه انتظار داشتیم بهره بردم، به شکلی که در بخش اول گروه همسرایان با حرکتی طراحی شده متنی را می‌خوانند و در بخش دوم مونولوگ‌های مدها و بخش دیالوگ مدها و ژازون. البته بسیاری از شخصیتها را نیز حذف کرده‌ام و اهمیت را بیشتر بر مونولوگ مدها قرار دادم که غالبا به صورت تک‌گویی که بیان می‌شوند و بیشتر به رمان خانم ولف نزدیک بوده‌ام تا جایی که آنرا به ۴ بخش همسرایان در بیان و حرکت، مونولوگ مدها، پرفورمنس بازی در بازی که حتی تماشاگران نیز با نوری ۵۰٪ در آن دخیل هستند و زبانش کاملا با دو تصویر قبل و بعد متفاوت بود و به‌عنوان ژانری که در کارهای گذشته نیز از آن بهره بردم استفاده شد و بخش انتهایی. البته چون معتقدم که بیشتر باید با استیک معاصر سر و کار داشت یعنی به شیوه‌های که تئاترهای ۲ دههٔ گذشته اروپا داشتند. تا ما نیز با جسارت و ریسک اشکال مختلف آنرا تجربه کنیم چون هنرمند همیشه باید آمادگی ریسک را داشته باشد و من اینکار

را که می‌خوانند کوالی نیست که در آن دوره بوده یا الان متداول است حالا چه اینجا و چه در اروپا چون مدل گذشته دیگر برای من جذابیت ندارد و کر پیچیده شده است و اینگونه نیست که یک عده بایستند و بخوانند و می‌توان از پیچیدگی‌ها راه‌هایی را باز کرد که کوالی جلوتر از آنچه هست قرار گیرد و این ساختار شکنی اینگونه نیست که ما همه چیز را فراموش کنیم. حتی این مبحث در معماری امروز فرانسه نیز دیده می‌شود به شکلی که وقتی مدل‌های جدید و توربیه‌های جدید می‌آید متون گذشته را رد نمی‌کنند، آنرا بازسازی می‌کنند ولی یک قیچی هم در دست دارند و آنرا کلاژ می‌کنند و بااستتیک روح زمان آدابته‌اش می‌کنند چون ما نمی‌توانیم از گذشته خیلی فاصله بگیریم و نباید آنرا فراموش کنیم. اینکه بینیم از گروه همسرایان چه می‌خواهیم و چیست؟ چون فرم باید باشد و فرم و محتوا در کنار یکدیگرند و نباید آنرا فراموش کرد. جایی شنیدم که می‌گفتند فلانی فرمالیست است این واژه به چه معنی است من ترجیح می‌دهم بیشتر از آرتیست نام ببرم چون در اروپا اگر کسی بیاید بگوید که من هنرپیشه‌ام دیگران خمیازه می‌کشند. تئاتر امروز آرتیست می‌خواهد در کمپانی‌های مطرح آوانگارد شما هم باید بتوانید بخوانید هم بتوانید حرکت کنید هم آکسیون و هم شومن باشید. این نیست که متنی را به شما بدهند تا بخوانید و حفظ کنید و روی صحنه به شما بگویند که میزانش این است. در اکثر جاها تئاتر مشکلی لاپراتواری

یافته و یک‌پدیده غریب نیست یا خیلی جدید هم نیست بلکه پیشینه دارد و جلو می‌رود و ما باید این اندوخته‌ها را جمع کنیم با تجربه‌ها مان در هم بیامیزیم تا کارهایی را آدابه صحنه‌ای کنیم.

**به نظر شما حضور گروه‌های خارجی در کنار گروه‌های داخلی در جشنواره تأثیری بر روند رشد هنرمندان داشته و آیا شاهد تحول و دگرگونی طی این چند سال اخیر بوده‌اید یا خیر؟!**

فکر می‌کنم وارد شدن به یک جشنواره اساس دیدن کارهای همکاران دیگر است و باید بغض و حسد کنار رود تا یاد بگیریم و نباید تصور کرد که کار تمام شده است و خوب است نگاهی دانشجویی داشت به‌ویژه در چند سال اخیر که فرصت دست داده تا هنرمندان کارهایی را ببینند و این لازم است چون می‌تواند رقابت را نیز زیاد کند؟ در جایی دیگر گفتم که فستیوال یعنی اینکه شماره یک باشی یعنی شماره دومی وجود ندارد و باید اینقدر کار کرد و ریاضت کشید تا سطح کارها بالا رود و به تئوری‌های جدید توجه داشت که ضعف عمده در مسائل تئوریک است که کمتر بها داده می‌شود یعنی یک دانشجویی که امروز وارد تئاتر می‌شود حتی استادان باید با تئوری‌های جدید آشنا شوند و کتب چاپ شده بلافاصله ترجمه و در اختیار آنها قرار گیرد. هر روز تئاتر در اروپا دچار تغییر است و این اتفاق می‌افتد به طوری که وقت ندارد و این یکی از پدیده‌هایش است که هر روز تجربه‌هایی جدید شکل می‌گیرد.

اگر ما با خودمان قرار گذاشتیم که همین تئاتر ماست و درها را ببندیم و بگوئیم دیگر نمی‌خواهیم خوب فستیوال نداریم، منظورم اینست که یکی از اهداف فستیوال تبادل نظر بین فرهنگهاست، از فلسطین، سیرالئون و... حتی اپرای پکن که یکی از گران قیمت‌ترین نمایشهای جهان است به تهران می‌آید و اجرا می‌شود، در پاریس اجرا می‌شود که اپرای آنجا حدود ۳۵ - ۴۰ مارک قیمت‌بلیط دارد چون هنرپیشه‌اش گران است و خرج دارد. در تمام دنیا همینطور است حتی تئاتر ژاپن نیز خرج دارد اینکه ۵۰ نفر روی صحنه بیایند و همه لباسهای فاخر و زربفت بپوشند. پس باید به آن ارزش دهیم به شکلی که بتوان دانشجویی تئاتر را با آن آشنا کرد. باشناختی که اخیراً در طی چند همایش و پیشنهادی که برای استادی پیدا کرده‌ام می‌بینم که دانشجویی اینجا چیزی نمی‌بیند که با آن آشنا شود و یا آنرا تجربه کند شاید فقط بخشی را کوتاه‌در کتاب آقای بیضایی و بعضاً دیگران خوانده و در صورتی که این یک پدیده بصری است که باید دیده شود و اگر چنین اتفاقی می‌افتاد باید دانشگاهها و استادان دانشجویان را مجبور کنند تا ببینند و بعد آنرا در دانشگاه تحلیل کنند که چه دیده‌اند یا چی شنیده‌اند این خود می‌تواند خوراکی دو هفته دانشگاه باشد چون آنها تئاتری هستند و می‌خواهند در آینده جای ما را بگیرند، پس به این نسل جوان باید توجه کرد و بها داد چون آینده تئاتر هر سرزمینی به جوانان آن است و این تسلسل باید ادامه یابد تا به شکوفایی و رشد برسد.

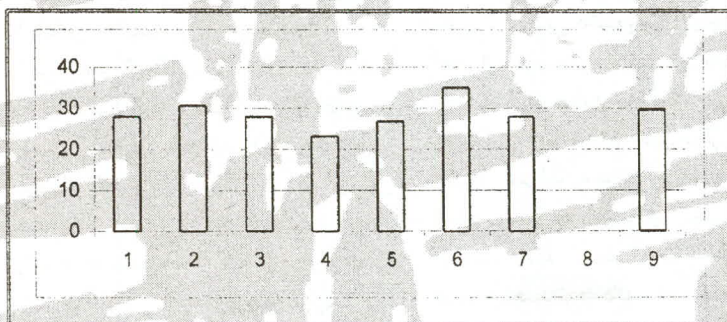


دفتر طرح و برنامه مرکز هنرهای نمایشی

# نتایج آماری آرای تماشاگران

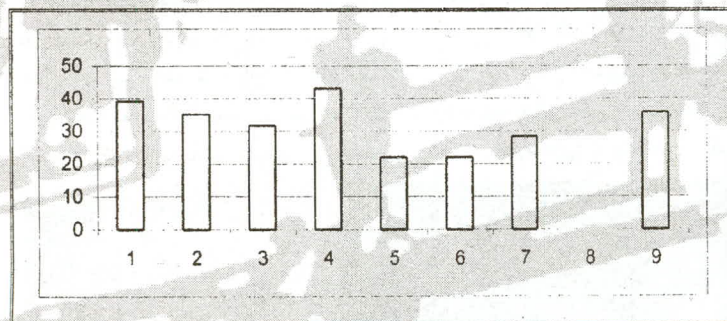
درباره ی نمایش های اجرا شده در روز دوشنبه ۱۰ بهمن ماه

متن (نمایش نامه)



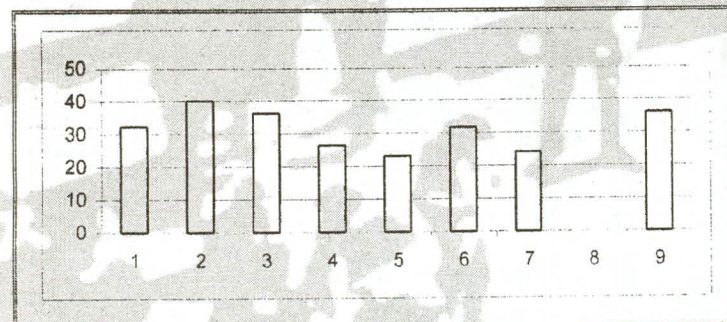
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی بنگ	۵	۲۷/۹۶
۲	لئوناردو	۲	۳۰/۷۱
۳	خروس	۶	۲۷/۹۵
۴	گتگ خواب دیده	۸	۲۳/۳۵
۵	خاله ادیسه	۷	۲۶/۷۸
۶	تولد	۱	۳۵/۰۰
۷	که دیوانه می خندد	۴	۲۸/۰۲
۸	حسرت آرزو، رویا	-	اجرا نشد
۹	بازیخانه	۳	۳۹/۶۲

کارگردانی



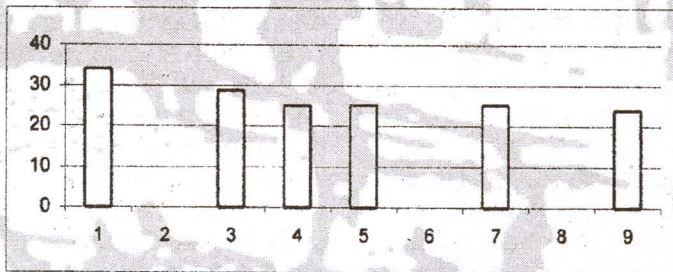
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی بنگ	۲	۳۹/۲۲
۲	لئوناردو	۴	۳۵/۱۷
۳	خروس	۵	۳۷/۷۳
۴	گتگ خواب دیده	۱	۴۳/۲۰
۵	خاله ادیسه	۷	۲۳/۰۶
۶	تولد	۸	۲۲/۰۵
۷	که دیوانه می خندد	۶	۲۸/۳۷
۸	حسرت آرزو، رویا	-	اجرا نشد
۹	بازیخانه	۳	۳۵/۷۹

بازیگر نقش اول مرد



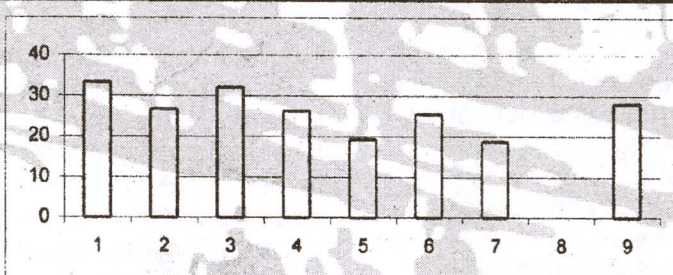
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی بنگ	۴	۳۲/۲۸
۲	لئوناردو	۱	۴۰/۲۷
۳	خروس	۲	۳۶/۳۲
۴	گتگ خواب دیده	۶	۲۶/۴۶
۵	خاله ادیسه	۸	۲۳/۱۲
۶	تولد	۵	۳۷/۷۸
۷	که دیوانه می خندد	۷	۲۴/۲۵
۸	حسرت آرزو، رویا	-	اجرا نشد
۹	بازیخانه	۳	۳۶/۱۰

## بازیگر نقش اول زن



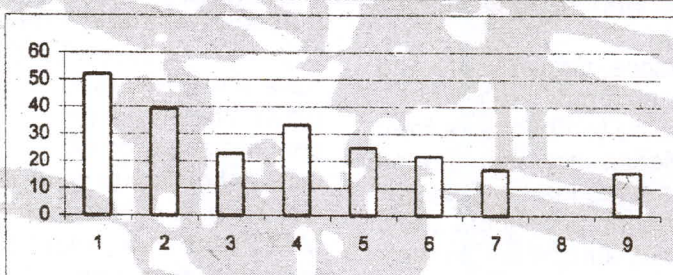
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی بتگ	۱	۳۴/۰۲
۲	لئوناردو	-	۰
۳	خروس	۲	۲۸/۸۱
۴	گنگ خوب دیده	۴	۲۵/۰۰
۵	خاله ادیسه	۳	۲۵/۱۸
۶	تولد	-	۰
۷	که دیوانه می خندد	۳	۲۵/۱۸
۸	حسرت آرزو، رویا	-	۰
۹	بازبخانه	۵	۲۳/۹۶

## طراحی صحنه



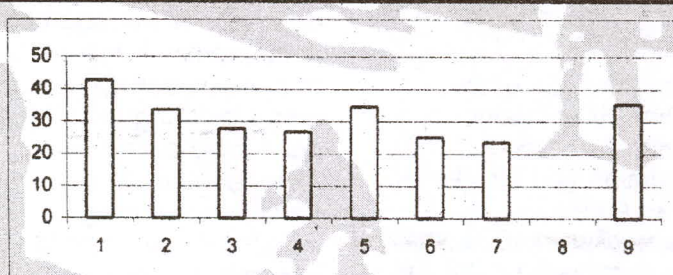
ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی بتگ	۱	۳۳/۳۲
۲	لئوناردو	۴	۲۶/۷۳
۳	خروس	۲	۳۷/۰۴
۴	گنگ خوب دیده	۵	۲۶/۲۵
۵	خاله ادیسه	۷	۱۷/۲۹
۶	تولد	۶	۲۵/۵۵
۷	که دیوانه می خندد	۸	۱۸/۷۹
۸	حسرت آرزو، رویا	-	۰
۹	بازبخانه	۳	۲۸/۰۲

## موسیقی



ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی بتگ	۱	۵۲/۲۳
۲	لئوناردو	۲	۳۹/۳۴
۳	خروس	۵	۲۷/۹۸
۴	گنگ خوب دیده	۳	۳۳/۲۳
۵	خاله ادیسه	۴	۲۴/۸۱
۶	تولد	۶	۲۷/۷۶
۷	که دیوانه می خندد	۷	۱۶/۹۴
۸	حسرت آرزو، رویا	-	۰
۹	بازبخانه	۸	۱۵/۸۱

## مجموع آرا (بعلاوه ی طراحی لباس، نورپردازی، گریم و بازیگران مکمل)



ردیف	نام نمایش	رتبه	درصد
۱	لیدی بتگ	۱	۴۷/۸۳
۲	لئوناردو	۴	۳۳/۶۲
۳	خروس	۵	۳۷/۷۰
۴	گنگ خوب دیده	۶	۲۶/۸۱
۵	خاله ادیسه	۳	۳۴/۶۱
۶	تولد	۷	۲۵/۲۷
۷	که دیوانه می خندد	۸	۲۳/۷۳
۸	حسرت آرزو، رویا	-	۰
۹	بازبخانه	۲	۲۵/۳۹

**The chorus:** All the members of the company

### The Story

Antigone is part of the Theban's circle. Laius succeeds his father Lavdakos to the throne of Thebes. The son of Laius and Iocaste, Oedipus, according to the oracle of Delphi kills his father in ignorance and marries his mother by whom he has four children Eteocles, Polyneikes, Antigone and Ismene. As the truth dawns on him, Oedipus blinds himself and leaves Thebes meanwhile Iocaste hangs herself. Eteocles and Polyneikes agree to share the kingdom ruling on alternate years. Eteocles breaks the agreement and the curse of Oedipus comes into effect. Polyneikes allies with the Argives and lays siege to the city. The conflict is resolved by a duel between the two brothers in which they are both killed and Creon takes the throne. However the city is still under threat from the Argives and the soothsayer Tiresias advises Creon to sacrifice the son of Megareus to save the city which he does.

### THE PLOT OF ANTIGONE

Eteocles and Polyneikes, the two Oedipus's sons, kill each other, claiming Thebes power. Creon, uncle of the murdered, is taking the power. First order: to stay unburied Polyneikes's dead body as exemplary punishment.

Antigone, Oedipus's daughter and sister of the murdered, is trying to persuade her sister Ismene, to bury Polyneikes. Obeying to the unwritten law that

demands respect to the dead.

Ismene is refusing and Antigone, alone, defying Creon's law, covers Polyneikes dead body with earth.

She is being arrested and led in front of Creon.

Overtaken by anger, Creon, orders her isolation that is equivalent to a slow death. Haemon, Creon's loving son and Antigone's fiancé is trying to dissuade his father for Antigone's death. Creon is refusing and the Chorus is singing love's power. The soothsayer Tiresias is prophesising sufferings for Thebes and Creon's family, if Polyneikes is not buried and Antigone is not liberated. Creon is dissuaded and buries Polyneikes.

Meanwhile, Antigone is committing suicide and Haemon in front of the view of Antigone's hanging body sticks in his ribs the sword, since he failed to murder his father, who meanwhile had arrived.

Eurydices, Creon's wife and Haemon's mother, learns about the terrible news from the Messenger. Full of despair she leaves the description unfinished and commits suicide inside the palace.

Creon alone wails whilst the Chorus of Thebans elders leaves the scene.

### A Report from the Seminar

On the third day of the seminar Mr Mansour Barahimi, Mr. Farshid Ebrahimi and Mr. Ian Herbert spoke. Mansour Barahimi about theatre critic said, "Critic in

Iran is not separated from Interpretation. At present many styles of writing critics are taught in university. For deeper understanding of Drama, we should be more familiar with Aristotle's beliefs. If a piece of art becomes close to everyday life, it will lose its value. We shouldn't expect modern story to get close to everyday life.

Ian Herbert said: "Thirty years ago I was a publisher for theatrical books and we were publishing a book about theatre. In this book we had to write the biographies and the history of theatre and the names of the actors. Therefore I had to watch plays two three times a week. Twenty years ago I decided to quit that job because they had cut off my salary and decided to continue it through a magazine. I saw four or five plays a week and I thought to myself I should do something, and now the reason I can stand here and say I'm a theatre critic is I have seen thousands of plays. I believe a critic should have a great information about what he is watching. A critic should be able to see many plays one after the other, and still enjoy all of them and be able to transfer that through his review to the reader."

Farshid Ebrahimi in his speech said: "In my opinion critic means thinking and contemplation and the lack of that in a society would mean lack of good play. We don't have a long history and experience in theatre critic and it is something completely new and is imported to our society."



## The Similarities of Taziee and Tragedy in Greece plays.

Can we really compare these two theatrical plays, which are so far a part from each other in meaning and time?

First of all there are two main similarities, first the energetic actors and secondly the text. With deeper investigation we can even say that Taziee appears as an uncomparable happening which occurs amongst the people the actors, and the audience, all participate in an occasion which is like a great religious ceremony or even ritual. With this in our mind, we can find similarities between Taziee and Tragedy in Greek literature. In Tragedy Aristotle had said the ordinary audience had participated to see the secrets of Dyonisos

celebrations.

The other similarity between them was the idea of competition at the end of which a prize would be given, with one difference, the Greek prize would be materialistic where as the viewers and the actors of Taziee would have a spiritual reward. Therefore the audience of a Tragedy go through have cartasis as their reward (which is the result of tragedy) but the audience of the Taziee loaded by the guilt of the wrongs done would feel decent and holy. But concerning the number of the actors the Greeks (because of religious matters) didn't want to or may be even couldn't expand the number of the actors. However in Taziee inspite of all the similarities it has with Greek Tragedy did man age to add to the number of its players in case it was needed.

Screens The Greek drama writers only concern is to find a way to decorate the with all possible or needed equipments in a comprehensible way and which would be liked by the audience who have come to watch the play for the cartasis of their soul. However, Taziee has only one aim, broadcasting a news and exciting and moving the audience emotionally. During Ghajar's era, Using decorations for Taziee reached it's height and the authorities used it to show off their economical power and wealth. From this time on ward the horses were ornamented with Jewells and a real army would attack the holy family of saints and people would be stunned elements of fascination have a great role

in Taziee. Angels, Gabrielle, and so on, not even showed the problems and difficulties but by their presence, reminded the audience of the presence of God and his prophets and their power and watch over the actions of each of us.

Dr. Mahmood Azizi

## Interview

### An Interview with Abbass Kazemian the director of "For the Festival"

The play "for the Festival" is a ritual play. Unfortunately in the provinces Street Theatre is not yet accepted and provincial groups can't yet make plays. I believe most of the plays aren't really street theatre, because street theatre dosen't just mean happening in the street. It should be able to keeps the audience until the end of the play.

## Introducing International Section

### ANTIGONE

**Directed by:** Spyros Vrachoritis

**Set and costume design:** S. Haradjidis

**Philological advisor on the metrical system:** Dr. Michalis Kopidakis

**Actors:** George Sfiridis, Martha Papathanassiou, Christiana Karamanidou, George Kafkas, Gregory Dalalakis, Pantelis Stavrinos, Vangelis Christou, Martha Papathanassiou, Pantelis Stavrinos Vngelis Yannakos, Greg Dalalakis

**Chorus Leader:** George Komboyiannis

## NAMAYESH

The 19th International  
Fajr Theatre Festival  
No. 10

Editor-in-chief:

Lale Taghian

Graphic Designer:

Anoushiravan Mirzaei

Translaters:

Akhtar Etemadi

Ava serjoei

Photographer:

Fattane Dadkhah

Computer Graphist:

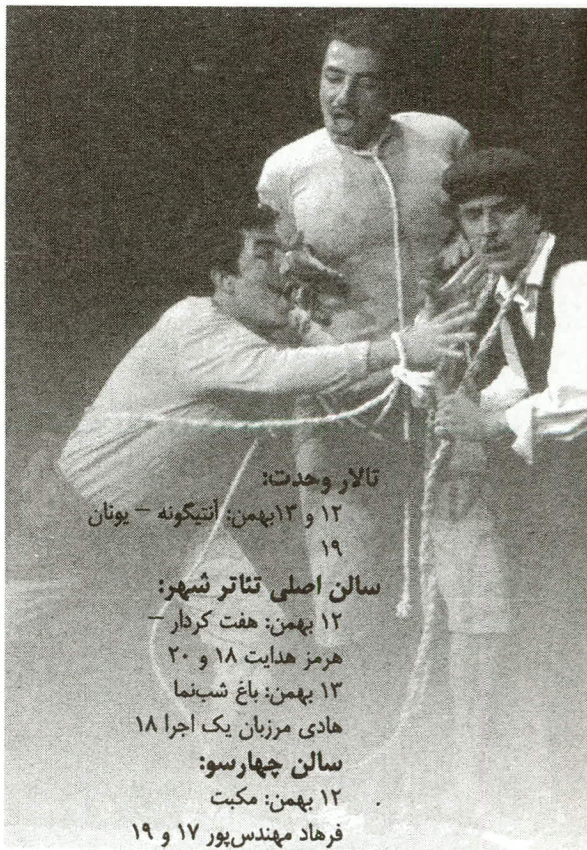
Kianoosh Ramezani

Type-setting:

Farzane Sarmadi

Parviz Mirzahosseini

# برنامه‌های امروز و فردای جشنواره



## تالار وحدت:

۱۲ و ۱۳ بهمن: آنتیگونه - یونان  
۱۹

## سالن اصلی تئاتر شهر:

۱۲ بهمن: هفت کردار - هرمز هدایت ۱۸ و ۲۰  
۱۳ بهمن: باغ شب‌نما  
هادی مرزبان یک اجرا ۱۸

## سالن چهارسو:

۱۲ بهمن: مکتب  
فرهاد مهندس‌پور ۱۷ و ۱۹  
۱۳ بهمن: هفت قبیله گمشده  
قطب‌الدین صادقی ۱۷ و ۱۹/۳۰

## سالن سایه:

۱۲ بهمن: خورشید بانو  
شکرخدا گودرزی ۱۸/۳۰ و ۲۰/۳۰  
۱۳ بهمن: اتاق خصوصی  
حسینعلی طباطبایی ۱۸/۳۰ و ۲۰/۳۰

## تالار قشقایی:

۱۲ و ۱۳ بهمن: دزد دریایی  
امیر دژاکام یک اجرا ۱۷

## تالار کوچک:

۱۲ بهمن: سبزشرخ - بروجرد  
محسن سراجی ۱۹ و ۲۱  
۱۳ بهمن: تماس  
طوفان مهردادیان ۱۹ و ۲۱

## تالار هنر:

۱۲ و ۱۳ بهمن: مرگ یزدگرد - گیلان  
رضا فرخی ۱۷/۳۰ و ۱۹

## تالار سنگلج:

۱۲ بهمن: شبهای آوینیون  
کوروش نریمانی ۱۷ و ۱۹  
۱۳ بهمن: قصه‌های درگوشی - شیراز  
امیر کوهستانی ۱۷ و ۱۹

## تالار مولوی:

۱۲ بهمن: در جامه مردگان - اردبیل  
مجید واحدی‌زاده ۱۶ و ۱۸  
۱۳ بهمن: این قصه را ایرانیان نوشته‌اند  
علیرضا نادری ۱۶ و ۱۸/۳۰

## بوستانها و میادین تهران:

نمایشهای خیابانی

## جلسه نقد و بررسی

چهارشنبه ۱۲ بهمن: نقد و بررسی نمایش دزد دریایی به کارگردانی امیر دژاکام توسط همایون علی‌آبادی، صمد چینی‌فروشان و منوچهر اکبرلو و نمایش هفت کردار به کارگردانی هرمز هدایت توسط نصرالله قادری، کتابین حسین‌زاده و مصطفی محمودی

پنجشنبه ۱۳ بهمن: نقد و بررسی نمایش باغ شب‌نما به کارگردانی هادی مرزبان توسط نصرالله قادری و مهرداد رایانی مخصوص، نمایش هفت قبیله گمشده به کارگردانی قطب‌الدین صادقی توسط همایون علی‌آبادی، کتابین حسین‌زاده و منوچهر اکبرلو و نمایش اتاق خصوصی به کارگردانی حسینعلی طباطبایی توسط صمد چینی‌فروشان، محمود اکبرلو و مصطفی محمودی.

## آمار تماشاگران جشنواره در تاریخ یکشنبه ۹ بهمن

تالار وحدت	تالار اصلی (تئاتر شهر)	سالن چهارسو (تئاتر شهر)	سالن سایه (تئاتر شهر)	سالن قشقایی (تئاتر شهر)
شازده اسحاق علی رفیعی یک سانس: ۹۸۰ نفر	اردویرالتامه ایرن - ایتالیا سانس اول: ۶۷۰ نفر سانس دوم: ۶۸۵ نفر	خروس محمد رحمانیان سانس اول: ۱۹۰ نفر سانس دوم: ۲۰۵ نفر	هزار توی من بویست حسین عاطفی سانس اول: ۲۲۰ نفر سانس دوم: ۳۳۵ نفر	دوتی کوتاه جواد پیشگر سانس اول: ۲۵۰ نفر سانس دوم: ۲۲۱ نفر
سالن کوچک (تئاتر شهر)	تالار هنر	تالار سنگلج	تالار مولوی	فضای باز (تئاتر شهر)
تولد نادر برهانی مرند سانس اول: ۱۶۰ نفر سانس دوم: ۱۳۵ نفر	که دیوانه می‌خندد محمد نوروزی بابادی سانس اول: ۱۳۰ نفر سانس دوم: ۱۰۰ نفر	پس تا فردا محمد یعقوبی سانس اول: ۳۰۵ نفر سانس دوم: ۳۶۰ نفر	فیروزه که می‌خواند کوروش زارعی سانس اول: ۱۶۱ نفر سانس دوم: ۱۲۲ نفر	مجلس تمیزه هشام حلقه یک مجلس: ۶۵۰ نفر

### کل تماشاگران سالنی: ۵۶۹۹ نفر

پارک دانشجو	پارک ملت	پارک ۱۷ شهریور (نازی آباد)	پارک شهر	پارک اعتماد	پارک لاله	پارک لاله	پارک آزادی	پارک آزادی	دانشگاه
من خود پادشاهم نفر ۵۰۰	سکایت پهلوان کم‌عده نفر ۲۰۰	هفت خوان نفر ۳۰۰	تکم خوانی نفر ۳۵۰	هفت چنار نفر ۱۰۰	رخسره نفر ۶۰	دل جان کدم نفر ۲۰۰	نیلیم نفر ۲۰۰	فانچ خیر نفر ۲۵۰	دانشگاه
جوش نفر ۱۰۰۰	مرد شور نفر ۳۵۰	مردی از زمین سوالی نفر ۳۲۰	بدنبال جشنواره نفر ۸۰۰	جگر هندی نفر ۱۸۰	تکم خوان نفر ۲۰۰	سرمای شیرازی نفر ۲۰۰	پارک خیم نفر ۱۰۰	برباد رفته نفر ۱۰۰	دانشگاه
پرده بر لفتد نفر ۲۰۰	حکایت پهلوان گمشده نفر ۲۰۰	هنر نفر ۱۰۰	مردی از زمین سوالی نفر ۱۰۰	شهبه بهشتی نفر ۲۰۰	گدا به گدا نفر ۱۵۰	چک نفر ۷۰	میدان	جوش نفر ۲۵۰	دانشگاه
			سهمانی سپاسگداری نفر ۱۲۰	نیک پدنام نفر ۲۰۰	بچه‌های خیابان نفر ۱۵۰	بهبان سپاسگداری نفر ۳۵	میدان		

### کل تماشاگران خیابانی: ۸۴۱۵ نفر

PLACE	VAHDAT HALL	19-21	MAIN HALL	18-20	CHARSOO HALL	17-19	SAYEH HALL	18/5-20/5	GHASHGHAEI HALL	17-20	LITTLE HALL	19-21	HONAR HALL	17/30-19	SANGELADJE HALL	17-19	MOLAVI HALL	16-18	ARTIST'S HOME	10-13	INFRONT OF THE CITY HALL	3 PM	PARKS AND SQUARES OF TEHRAN	AM-PM	
SAT 20 JAN 2001	ANTIGONE P. SABERI ✓	SOOVASHON M. MOHAMEDVI ✓	MACBETH F. MOHANDESI POOR ✓	FISHES SLEEP OF AUNT M. ARABZADEH M. ARABANPOOR ✓	THE JOURNEY OF A WOMAN M. ARABZADEH O. (ESEFAHAN) ✓	THE BLUE SKY OF THE CITY A. MALEKI O. (KORDESTAN) ✓	THE GHAJAR COFFEE A. PESIANI ✓	A TRIP FOR ARASH K. SHAFI'EV ✓	TAZIEH SHIRAFKAN																
SUN 21 JAN 2001	THE EPOPE OF THE ROCK REVOLUTION SH. MARZBAN ✓	FLIES *SLOVENI	THE LEGEND OF ARASH'S PEACE M. NOJOOMI ✓ O. N. GHADERI ✓	STRANGER CHILD Δ. H. DADSHIKAR ✓	THE LAND OF THE CHARM B. ALIKARIM ✓ O. (KORDESTAN) ✓	TANGOREH S.M. TABATABAIE ✓ O. (ESEFAHAN) ✓	WHISPERED STORIES A. KOOHESTANI ✓ O. (SHIRAZ) ✓	THE LAST PEARL O. H. AZARANG ✓	TAZIEH SHIRAFKAN																
MON 22 JAN 2001	STUBBORNNESS (TRANGAYES) *SIERRA LEONE	FLIES *SLOVENI	SANSAREH ON. GHADERI ✓	THE CHARM OF BURNT TEMPLE OK. MORADI ✓	THE THRONE AND THE DAGGER O. (KORDESTAN) ✓ O. (FATALIBEGY) ✓	THE DOUBLE DOVE ON. DEGHAN ✓	WHEN WE RETURN... E. POSHTKOOHI ✓ O. (BANDAR ABBAS) ✓	THE LAST PEARL O. H. AZARANG ✓	TAZIEH KHANDAGH WAR O. (GHAZVIN) ✓																
TUE 23 JAN 2001	ANTIGONE *GERMANY	ANTIGONE *GERMANY	OVER COAT *BULGARIA	TREMBLING MOHAMMAD KHAN O. M. ALIKHANI ✓	SIR MOHAMMAD KHAN O. C. SHAMLOO ✓	THE DOUBLE DOVE ON. DEGHAN ✓	THE DOG CRIES H. PLOOK ✓ O. (KERMANSHAH) ✓	ROCK ON THE ROCK O. TARA HOMI- ARAB ✓	TAZIEH KHANDAGH WAR O. (GHAZVIN) ✓																
WED 24 JAN 2001	MEMORIES *SWITZERLAND	ANTIGONE *GERMANY	OVER COAT *BULGARIA	A MINUTE SILENCE O. M. YABHOBI ✓	SIR MOHAMMAD KHAN O. C. SHAMLOO ✓	MINOTOR A. KHABAZ O. DADGAR ✓	INTERVIEW M. RAHMANIAN ✓	IF IT RAINS M. AKBARNEJAD O. (FARS) ✓	TAZIEH KHEIBAR WAR O. (SHIRAZ) ✓																
THR 25 JAN 2001	THE SPINNING LIVES *EGYPT	SALEH AL-ABD SALEH Δ. PALESTINE	LITTLE PRINCE *GERMANY	REJESORES NEVER DIE OH. KIANI ✓	THE RED VOICE O. H. NASRABADI ✓	MINOTOR A. KHABAZ O. DADGAR ✓	INTERVIEW (IN ENGLISH) M. RAHMANIAN ✓	IF IT RAINS M. AKBARNEJAD O. (FARS) ✓	TAZIEH KHEIBAR WAR O. (SHIRAZ) ✓																
FRI 26 JAN 2001	THE SPINNING LIVES *EGYPT	SALEH AL-ABD SALEH Δ. PALESTINE	LITTLE PRINCE *GERMANY	THE GIRL WITH THE SCARLET SHAWL OH. NAEMI ✓	THE BOLD & GOLDEE SH. NOOSHIR ✓ O. (GOLESTAN) ✓	NAMELESS MARIA O. N. HACHEMPOOR ✓	POOF M. HESSAMI (THE DECEASED) ✓	MEDEA O. M. HOSSEINI ✓	TAZIEH SAFEIN WAR O. (ARAK) ✓																
SAT 27 JAN 2001	LADY YANG *CHINA	LEONARDO *PORTUGAL	SEEDS OF MEMORY *ARGANTINA	AROOKS HOTEL OS. TIRANDAZ ✓	ODISEH AUNT OB. TAVASOLI ✓	THE GARDEN OF WISHES A. RASEKH RAD O. (YAZD) ✓	POOF M. HESSAMI (THE DECEASED) ✓	LILVA S. AKBARNEJAD O. (KHOZESTAN) ✓	TAZIEH SAFEIN WAR O. (ARAK) ✓																
SUN 28 JAN 2001	LADY YANG *CHINA	LEONARDO *PORTUGAL	SEEDS OF MEMORY *ARGANTINA	THE MUTE THAT WAS DREAMED O. A. PESIANI ✓	ODISEH AUNT OB. TAVASOLI ✓	THE MAD THAT LAUGHS M. NOROOZI BADADI ✓ O. (KHOZESTAN) ✓	REGRET, HOPE, DREAM M. HACHEMI ✓	BAZIKHANEH T. MASOUMI O. (ARDABIL) ✓	TAZIEH HOSHAM ALGHAMEH ✓																
MON 29 JAN 2001	EHTAJAB PRINCE O. A. RAFI'EV ✓	ARDAVIRAF- NAMEH *IRAN-ITALY	SEEDS OF MEMORY *ARGANTINA	MY COMPLICATIONS O. H. ATEFI ✓	DUET FOR FALL O. PISHGAR ✓	THE MAD THAT LAUGHS M. NOROOZI BADADI ✓ O. (KHOZESTAN) ✓	THEN TILL TOMMORROW M. YAGHOUBI ✓	THE SOUND OF THE SEA K. ZAREEI O. (KOM) ✓	TAZIEH HOSHAM ALGHAMEH ✓																
TUE 30 JAN 2001	ANTIGONE *GREECE	SEVEN MANNERS O. H. HEDAVAT ✓	SEEDS OF MEMORY *ARGANTINA	LADY KHORSHID O. SH. GOODARZI ✓	THE PIRATE O. A. DEJAKAM ✓	GREEN & RED M. SARADJI ✓ O. (BROOJERD) ✓	THE NIGHTS OF THE AVIGNON M. VAHEDI ZADEH O. (ARDABIL) ✓	IN THE CLOTHES OF THE SLAVES M. VAHEDI ZADEH O. (ARDABIL) ✓	TAZIEH TABOOK O. BATTLE ✓																
WED 31 JAN 2001	ANTIGONE *GREECE	THE SHINNING GARDEN O. H. MARZBAN ✓	THE SEVEN LOST TRIBE O. GH. SADEGHVI ✓	PRIVATE ROOM O. H. TABATABAIE ✓	THE PIRATE O. A. DEJAKAM ✓	CONTACT O. T. MEHRDADIAN ✓	3 NIGHTS OF 1001 NIGHTS M. KHALILIFAR ✓	THE STORY WAS WRITTEN BY THE IRANIAN O. A. NADERI ✓	TAZIEH O. FATAH ✓																
THR 1 FEB 2001	ANTIGONE *GREECE	THE SHINNING GARDEN O. H. MARZBAN ✓	THE SEVEN LOST TRIBE O. GH. SADEGHVI ✓	PRIVATE ROOM O. H. TABATABAIE ✓	THE PIRATE O. A. DEJAKAM ✓	CONTACT O. T. MEHRDADIAN ✓	3 NIGHTS OF 1001 NIGHTS M. KHALILIFAR ✓	THE STORY WAS WRITTEN BY THE IRANIAN O. A. NADERI ✓	TAZIEH O. FATAH ✓																
FRI 2 FEB 2001	ANTIGONE *GREECE	THE SHINNING GARDEN O. H. MARZBAN ✓	THE SEVEN LOST TRIBE O. GH. SADEGHVI ✓	PRIVATE ROOM O. H. TABATABAIE ✓	THE PIRATE O. A. DEJAKAM ✓	CONTACT O. T. MEHRDADIAN ✓	3 NIGHTS OF 1001 NIGHTS M. KHALILIFAR ✓	THE STORY WAS WRITTEN BY THE IRANIAN O. A. NADERI ✓	TAZIEH O. FATAH ✓																

IN THE STREET THEATRES

ASSEMBLY AND LECTURE

TAZIEH EMAM SADEGH (P.B.U.H) 3 PM (INFRONT OF THE CITY HALL)

VAHDAT HALL CLOSING CEREMONY- 5 PM

“THE PERFORMING ARTS, PIONEER IN THE DIALOGUE BETWEEN CULTURES AND CIVILIZATIONS IN 2001”

\* INTERNATIONAL SECTION  
 O IRANIAN SECTION - OUT OF THE COMPETITION.  
 Δ ENTEFAZEH SECTION  
 ■ A RETROSPECTIVE ON THE PREVIOUS YEAR (2000) THEATRE.  
 / REVIEW AND EDITORIAL MATERIALS DEPEND ON THE COURSE OF THE COMPETITION

نوزدهمین

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

تهران - ۲ تا ۱۳ بهمن ۱۳۷۹

THE  
**19**<sup>th</sup>  
INTERNATIONAL  
FADJR THEATRE FESTIVAL  
TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB. 2001